أعوذ باللَه من الشیطان الرجیم

بسم اللَه الرحمن الرحیم

عرض شد که در مساله استطاعت، تهیه مقدمات استطاعت که همان زاد و راحله باشد واجب است به وجوب عقلی و مسامحه در آن اولا موجب ترک واجبی از واجبات است و در ثانی چنانچه در این بین قبل از اتیان به این تکلیف اگر فوتی عارض بشود این طبعا یعد تارک‌الحج و مسائلی که راجع به این قضیه است بر او مترتب خواهد شد. بنابراین از اول بلوغ که زمان تعلق تکلیف است، مکلف باید به دنبال تهیه مقدمات حج به عنوان وجوب اطلاقی برود.

 این مطلب قبلا عرض شد که آن حجة ‌الاسلام که از باب بنی الاسلام علی الخَمس: الصلاة و الزکوة و الخمس و الصوم و الحج و الولایة و ما نودی بشئ کما نودی بالولایة[[1]](#footnote-1)، از این جهت حجة ‌السلام گفته می‌شود که از نقطه‌نظر تکلیف، قوام اسلام بر این چند چیز است و آن چه که در روایات است یک مرتبه است.

 روایاتی در این زمینه از ائمه علیهم‌السلام دارد که روایت یکی از امام صادق علیه‌السلام و یک روایت از امام رضا علیه‌السلام است که این ها را عرض کردیم و گرچه در آیه اطلاق است و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا اگر ما در روایات و در سنت حکم به کفایت مرة ‌واحده نداشتیم اطلاق آیه مقتضای تکرار بود چنانچه بعضی‌ها حکم به تکرار داده اند برای کسی که می‌تواند و استطاعت رفتن را داشته باشد، ولکن در روایات نسبت به این مساله تصریح شده است که فقط همان یک بار برای انسان واجب است و آن حجة ‌السلام فقط یک مرتبه است، بقیه حج‌هایی که انجام می‌دهند این ها حج استحبابی است و تأکید شده لحاجة

 مثلا فرض بکنید امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: لا تترکوا حجّ بیت ربکم فتهلکوا و قال من ترک الحج لحاجة من حوائج الدنیا لم تقض حتی ینظر الی المحلقین[[2]](#footnote-2) یا مثلا واللَه واللَه فی بیت ربکم لا تخلوه ما بقیتم فانه ان ترک لم تناظروا[[3]](#footnote-3) خب در این جا حضرت تأکید می‌کنند به مساله حج، تأکیدی که در این جا شده حکایت از همان استحباب شدیدی است که در این جا دارد ولکن مساله اصلی همین است، مثلا از امام رضا علیه السلام سوال‌های شد یکی از سوال های که از حضرت کردند این بود که علة فرض الحج مرة‌ واحده چیست؟ حضرت تصریح می‌فرماید لأنّ اللَه تعالی وضع الفرائض علی أدنی القوم قوّة فمن تلک الفرائض الحجّ المفروض واحداً ثم رغّب اهل القوّة علی قدر طاقتهم[[4]](#footnote-4) این دیگر در این جا جنبه ترغیب دارد نه جنبه تکلیف و همین طور در آن روایت دیگر روایت فضل بن شاذان است که این هم باز همان است منتهی خب با سند متفاوت هست ولی روایت دیگر روایت امام صادق علیه السلام است مربوط به احمدبن محمد خالد برقی که حضرت می‌فرماید ما کلّف اللَه العباد إلاّ ما یطیقون إنّما کلّفهم فی الیوم و اللیلة خمس صلوات (الی ان قال:) و کلّفهم حجّة واحدة و هم یطیقون اکثر من ذلک ولکن این یک حج در این جا تأکید شده .خب در این جا ما می‌بینیم که این روایات تصریح دارد و همین طور مرام و روش خود ائمه علیهم السلام هم بر همین قیاس بوده که همان یک مرتبه حج را آنها تکلیف می‌کردند و سنت بر این مساله مستقر بوده اما در بعضی از روایات می‌بینیم که در این جا مساله فرض است و این از مسائلی است که خب باید راجع به آن صحبت شود و فرض را به معنای استحباب و این ها گرفته اند، بعضی از فقها فتوا دادند برای کسانی که قوت بدنی و مالی دارند که این ها باید بیش از یک مرتبه و هر چند سال یک مرتبه حج را انجام بدهند.

 و در این جا روایاتی داریم مثلا در روایاتی که مؤید این مطلب و مساله است، عجیب روایتی دارد در احتجاج، احتجاج بر خوارج، در این جا خود امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: ولیس علی الاوصیاء الدعاء‌ الی انفسهم انّما یبعث اللَه الانبیاء فیدعون الی انفسهم و الوصیّ فمدلول علیه مستغن عن الدعا الی نفسه و قد قال اللَه عزّوجل و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا و لو ترک الناس الحج لم یکن البیت لیکفر بترکهم ایاه و لکن کانوا یکفرون بترکهم ایاه لأن اللَه قد نصبه لکم علما و کذلک نصبنی علما حیث قال رسول اللَه صلی اللَه علیه و آله یا علی أنت منی بمنزلة الکعبة تؤتی و لا تأتی[[5]](#footnote-5) خیلی روایت عجیبی است عرض کنم این روایتی که دارد راجع به مساله ازید از مرة واحده ، آن قدر روایات زیاد است که آن روایتی که موردنظر بود ، چندتا روایت هم در این جا هست که این ها را شما خودتان بروید پیدا کنید مربوط به حج متعدد که جنبه فرض دارد چند روایت است که فقها بر طبق این فتوا دادند بر این که حج به طور مکرر واجب است و در آن جا جنبه فرض داشت: إنّ اللَه عَزَّ وَ جَلّ فَرَضَ الحَجَّ عَلَی اَهلِ الجِدَه فِی کلِّ عامٍ[[6]](#footnote-6) یعنی افرادی که تمکن دارند.

در این جا روایت دلالت بر فرض می‌کند بر این اساس بعضی‌ها مثل مرحوم صاحب حدائق و امثال ذلک ایشان حکم به وجوب حج داده اند برای کسانی که اکثر من مرة واحده تمکن بدنی و مالی دارند از طرفی این روایاتی که داریم از امام رضا علیه السلام و همین طور از امام صادق علیه السلام روایت احمدبن خالد برقی که این ها صراحت در این داشت که مرة واحده و حتی در بعضی از این روایت‌ها تصریح بود بر این که و هم یطیقون اکثر من ذلک یعنی عبارت عین تصریح است.

لذا بر این اساس در این جا مثل مرحوم صاحب جواهر آمده اند روایات فرض را هم حمل بر استحباب کردند و فرمودند مقصود از فرض در این جا همان ندب است که مستحب است انسان این عمل را انجام بدهد.

 خب این یک وجه حملی که طبعا می‌شود گفت چاره‌ای جز این نیست از یک طرف روایات دلالت بر فرض می‌کند و در آن فرض آمده فرض هم به اصطلاح ظهور در وجوب و تکلیف وجوبی دارد از یک طرف روایات مقابل که روایات صریح و صحیح هم هست روایت خالد و همین طور روایت از امام رضا علیه‌السلام خب این روایت صریح است و همین طور سنت هم بر این مساله بوده یعنی سنت در زمان ائمه علیهم السلام همین حج به عنوان مرة واحده بوده این مساله به مساله حجیت اجماع کار ندارد که این منتفی است.

 در این جا خب این حمل بر استحباب باید بشود ولی صحبت در این جاست که چرا امام علیه‌السلام مساله را به عنوان استحباب مطرح نکرده اند؟ خب می‌گفتند مستحب است یا مستحب مؤکد است این تعبیر به فرض آوردن برای چه حضرت در این جا این را مطرح می‌کنند؟ این نکته‌ای است که مجتهد باید به این نکته بپردازد، امام علیه‌السلام وقتی یک مطلب را می‌فرماید با عبارت‌های که ما می‌گوییم فرق می‌کند آن عبارت و کلام امام کلام معصوم است و معصوم خطا نمی‌کند و عین واقع را کما هو هو بازگو می‌کند مستحب باشد می‌گوید مستحب واجب باشد می‌گوید واجب و غیر از این ها باشد آن را بیان می‌کند این مساله فرض باعث شده است که فقها بعضی‌ها برای اهل جده حکم به وجوب کنند که این ظهور فرض در این جا برای اهل جده، ظهور در وجوب است و حمل کردند این روایات را بر افرادی که از اهل جده نیستند و آن روایتی را که حمل شده از احمدبن خالد برقی که دارد هم یطیقون اکثر طاقت را به معنای صرف‌الاستطاعه قرار دادند نه آن استطاعت متعارف یعنی برای کسی که بتواند حتی با تحمل مشاق به حج برود این منظور امام است.

 و همین طور در آن روایتی که از امام رضا علیه‌السلام است و حضرت در آنجا تصریح دارد که مرة واحده این را منظور حضرت به أدنی الناس است که جنبه غالبی دارد برای افراد مخصوصا در آن زمان که شدّ رحال از اماکن بعیده خیلی مشکل بود هر کسی بخواهد بیاید و مخصوصا مشیا بیاید چه طور این که در بعضی روایات هست که مشیا بخواهد انجام بدهد این جنبه غالبی مساله اقتضا می‌کند که حج همان مرة واحده به این کیفیت در این جا جعل شده باشد پس این فقها حمل کرده اند روایاتی که دلالت بر وجوب حج مرة واحده می‌کند را بر اغلبیت ناس و همین طور بر افرادی که آن ها استطاعتشان یک استطاعت عادی نیست یعنی می‌توانند بروند ولیکن با تحمل مشقت و این ها که در آنجا خدا این تکلیف را از آنها برداشته است افرادی که مثل فقها و عموم افرادی که در این جا حج را همان مرة واحده می‌دانند این روایات فرض را حمل بر استحباب کرده اند و گفته اند مستحب است ما در مقابلش روایات صریح داریم خب روایت خالد در آن جا تصریح دارد که حضرت می‌فرماید امام صادق علیه السلام فرموده و هم یطیقون اکثر ولکن این حج تکالیف بر ادنای از این وضع شده.

 حالا ما در این جا چه کنیم؟ کدام یک از این دو مساله را در قبال خود ملزم از نقطه‌نظر تحصیل ملاک ما در این جا می‌دانیم از آن طرف روایات دارد فرض علی اهل الجده واجب است لعل این که شما بگویید بله آن حج برای کسانی که استطاعتشان در حد یک مرتبه است آن دسته از روایات است این روایات هم که منافاتی ندارند این روایت هم که می‌فرماید فرض علی اهل الجده بسیار خوب هر کسی که متمکن است بایستی این قدر انجام بدهد مثل این که آن کسی که متمکن است فرض کنید تمکن دارد مثل کسی می‌ماند که کفاره‌ای به او تعلق می‌گیرد و هر مقداری که می‌تواند به همان مقدار شصت تا مسکین را باید بدهد حالا فرض کنید این ده‌تا مسکین بیشتر نمی‌تواند طعام بدهد باید همان ده‌تا را بدهد نمی‌شود گفت چون شصت‌تا مسکین را نداری بنابراین به عنوان یک واجب ارتباطی نه ده‌تا را باید بدهی به جایش احکام ترتیبیه هم داریم که فان لم یجد کذا در این آیاتی که داریم که اگر این نتوانست آن بعدی اگر نتوانست این بعدی این مساله حکایت از این می‌کند که خداوند این مطلب را در اینجا بر اساس توان فرد قرار داده آن کسی که می‌تواند شصت مسکین را طعام بدهد باید شصت مسکین را طعام بدهد یا این که نسبت به هر کسی که در سایر افراد هست فرض کنید در مورد جهاد ‌آن کسی که مال ندارد چیزی ندارد فقط خودش هست و یک شمشیر بایستی با همان یک شمشیر خودش جهاد کند حالا اگر کسی این استطاعت بیشتر دارد مرکب دارد چه دارد باید آنها را هم داخل در مساله جهاد کند اگر کسی فرض کنید اموال دارد آن اموال را باید صرف در جهاد کنند هر شخصی به میزان استطاعتی که دارد به همان میزان تکلیف نسبت به او بالاتر می‌رود و تکلیف یک به اصطلاح ازدیاد بیشتری پیدا می‌کند لعل این که مساله حج هم از همین باب باشد امام علیه‌السلام از یک طرف می‌فرماید که حج واجب است مرة واحده برای کسانی که یک مرتبه می‌توانند بروند و اغلبیت این طور است و از آن طرف می‌فرماید فرض اهل الجده برای کسانی که می‌توانند به بیشتر از این ها بروند دوتا تکلیف جداست و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا هم که اطلاقش فقط به تحقیق تکلیف به مرة واحده نیست لله علی الناس حج البیت هر کسی که می‌تواند باید حج را انجام بدهد خب کجای این داریم که یک دفعه بروی؟ با یک مرتبه رفتن حکم شرعی در این جا ساقط شد ولی آیا حکم شرعی استمرار ندارد؟ مثل این که فرض کنید من بگویم اکرام عالم عادل برای شما واجب است، خب شما آمدی یک عالم عادلی در این دنیا پیدا کردی که یکیش هم پیدا نمی‌شود شما آمدی یک عالم نیم چه عادلی را پیدا کردی و اکرامش کردی یعنی این حکم مولا دیگر تمام شد؟ یا نه این حکم مولا استمرار دارد دوباره هفته بعد چشمتان به یک عالم نیمچه عادلی افتاد ثلثش ربعش و خمسش هم بود فرض کنید بگذاریم روی سرمان اگر پیدا کردید باز در این صورت باید چه کار کنید؟ آن حکم اکرم بیاید مگر این که استنباط بشود که آن تکلیف برای مرة واحده است که با تحقق خارجی آن مکلف‌به آن تکلیف هم ساقط می‌شود.

 پس نفس خود آیه نه دلالت بر مرة می‌کند و نه دلالت بر تکرار، بلکه با جنبه اطلاقی خودش آن تکرار استفاده می‌شود نه این که از خود لفظ تکرار فهمیده بشود فرق می‌کند بگوئیم که لله علی الناس حج البیت متکررا لمن استطاع الیه سبیلا یا لله علی الناس حج البیت مرة واحده لمن استطاع الیه سبیلا این جنبه اطلاق دارد الان هم چند سال از این قضیه گذشته آیا آن حکم باز راجع به ما هست یا نه؟ خب لله علی الناس حج البیت در این جا شامل خواهد شد.

 پس هم آیه در این جا دلالت بر اطلاق می‌کند اطلاق آیه مقتضای تکرار خواهد بود و همین طور روایاتی که بر روایات فرض در این جا هست آن هم دلالت بر این مساله می‌کند انه یجب وجوباً کفائیا که البته ایشان تعبیر به وجوب کفایی کردند یکی روایت کافی است که می‌فرماید عن علی بن جعفر روایت از موسی‌بن‌جعفر علیه السلام است حضرت می‌فرماید إن اللَه عزّوجل فرض الحج علی اهل الجده فی کل عامٍ نه این که چند سال یک مرتبه چهار سال یک مرتبه فی کل عامٍ و ذلک قوله عزّوجل لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا و من کفر فان اللَه غنی عن العالمین یعنی همین مطلبی را که من عرض کردم همین مطلب را امام موسی‌بن‌جعفر به عنوان اطلاق‌گیری تکرری که از اطلاق گیری اخذ اطلاق از آیه است همین مطلب را حضرت دارد به این دلیل که لله حضرت نمی‌فرماید لله علی الناس حج البیت با انجام دادن مکلف تکلیف ساقط می‌شود امر دلالت بر چی می‌کند؟ مرة واحده می‌کند اتیان به مکلف نه، شاید حضرت هم اصول خوانده بودند حضرت این اصول‌های چرت و پرت ما را که نخوانده‌اند اصولی که آنها خواندند اصولشان با ما فرق می‌کند قال قلت: فمن لم یحج منا فقد کفر قال: لا و لکن من قال: لیس هذا هکذا فقد کفر خب این یک روایت روایت دیگر روایت از امام صادق علیه السلام است ان اللَه عزوجل فرض الحج علی اهل الجده فی کل عامٍ ببینید این روایت‌ها روایت‌های صریح است آن روایت محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا، عدة من اصحابنا خیلی روایت را به اصطلاح صحتش را بالا می‌برد بعد سهل‌بن عن موسی بن قاسم البجلی عن محمد بن یحیی و همه این ها از علی‌بن‌جعفر که برادر موسی‌بن‌جعفر است یاد می‌کنند روایت دوم روایتش این ها همه سندش صحیح است روایت سوم روایت علی‌بن ابراهیم است عن محمدبن‌اسماعیل عن الفضل بن شاذان عن ابن ابی عمید که خیلی روایت صحیحی است عن عبدالرحمن بن الحجاج قال: قلت لابی عبداللَه علیه السلام الحج علی الغنی و الفقیر؟ فقال: الحج علی الناس جمیعاً کبارهم و صغارهم فمن کان له عذر عذره اللَه [[7]](#footnote-7) خب این روایت بر این مساله چیز ندارد خیلی، روایت دیگر بسیار سندش صحیح است محمدبن یحیی است محمدبن احمد است که همان خالد باشد عن یعقوب بن یزید است ابن ابی عمید عن ابی جریر القمی عن ابی عبداللَه علیه السلام حضرت باز می‌فرماید الحج فرض علی اهل الجده فی کل عامٍ[[8]](#footnote-8) روایت دیگر روایت حذیفه است که به نظرم این باید چیز باشد با مختصر تصرفی در سند که حضرت در این جا باز این را می‌فرماید روایت دیگر روایت صدوق است محمدبن علی بن الحسین در علل ، احمد بن محمد عن ابیه عن السندی بن الربیع آن هم فرد موثقی است عن محمد بن ابی القاسم عن اسد بن یحیی عن شیخ من اصحابنا قال: الحج واجب علی من وجد السبیل فی کل عامٍ [[9]](#footnote-9) این هم باز در این جا این مساله را حضرت به این کیفیت بیان می‌کند که خب البته در این جا دارد که شیخ این روایات را حمل بر استحباب کرده و بعد البته این را مثل این که سابق هم عرض کردیم و بعضی‌ها گفته‌اند که منظور این است که کسی که در سنه اول انجام نداده در سنه بعدی کجای روایت این را می‌گوید؟ این جا دیگر زدن به خاکی است رفتن در خاکی، حضرت می‌فرماید فی کل عامٍ چه ربطی دارد به این که ما بگوییم برای کسی که انجام نداده سال بعدش منظور حضرت است؟ خیلی عجیب است! خوب نیست این طور صحبت کردن صحیح نیست آدم خوب است که بگوید نمی‌دانم نه این که بیاید روایت را این طور معنا کند فان لم یفعل وجب فی الثالثه چه ربطی دارد قضیه والا قرب ما قلناه من الوجوب الکفائی ایشان مرحوم صاحب وسائل این را حمل بر وجوب کفایی کردند که از باب این که آن به اصطلاح در همان مثل وصایای امیرالمؤمنین که داریم لا تترکوا حج بیتکم که بیت‌اللَه را از حاج نگذارید که خالی باشد اللَه اللَه فی حج بیتکم و همین طور روایاتی که داریم که تأکید شده بر عدم خلو بیت‌اللَه روایاتی که حاکم اسلام واجب است که افرادی را در صورت عدم حج بفرستد برای حج که بیت‌اللَه خالی نباشد از مجموع این روایات مرحوم صاحب وسائل باز ایشان یک قدری نزدیکتر به مساله بررسی کردند که حمل به وجوب کفایی کردند مساله فرض ولکن مطلب به نظر می‌رسد که بالاتر از این حرفهاست.

اللَهم صل علی محمد و آل محمد

1. 1-کافی جلد 2 باب 21 و وسائل الشیعه جلد 1 باب 17 [↑](#footnote-ref-1)
2. 2- وسائل الشیعه کتاب الحج باب 4 حدیث 9

3- وسائل الشیعه کتاب الحج باب 4 حدیث 10

3- وسائل الشیعه کتاب الحج باب 3 حدیث 3 [↑](#footnote-ref-2)
3. 1- وسائل الشیعه کتاب الحج باب 3 حدیث 2 [↑](#footnote-ref-3)
4. 2- وسائل الشیعه کتاب الحج باب 3 حدیث 1 [↑](#footnote-ref-4)
5. 3- وسائل الشیعه کتاب الحج باب 7 حدیث 4 [↑](#footnote-ref-5)
6. 1- کافی جلد 4 صفحه 266 [↑](#footnote-ref-6)
7. 1- وسائل الشیعه کتاب الحج باب 2 حدیث1 [↑](#footnote-ref-7)
8. 2-وسائل الشیعه کتاب الحج باب 2 حدیث 2 [↑](#footnote-ref-8)
9. 3- وسائل الشیعه کتاب الحج باب 2 حدیث 3 [↑](#footnote-ref-9)